

A Reflection on the Nature of Ritual Literature

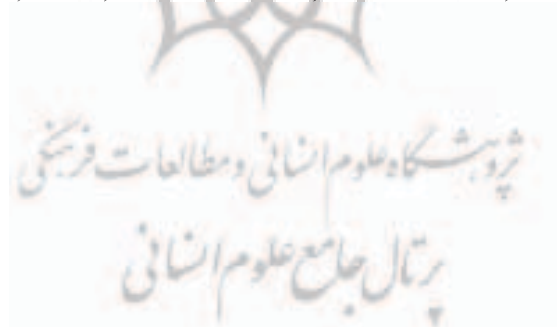
Ahmad Amiri khorasani*

Zahra Anjomshoae **

Abstract

Ritual literature has a long history in the history of Persian literature, which shows the importance of ritual topics and concepts for poets and Persian speakers. In the past, the main theme of ancient religious literature was myths, traditions and cultural customs, but from the Islamic era and especially with the coming of Shia governments, it took on a religious flavor. Regarding the nature of ritual poetry, especially in the contemporary era, definitions have been made that are not usually comprehensive; furthermore, there has not been a precise boundary between ritual poetry and other poetry, and sometimes in the definitions of researchers, ritual literature has been mixed with mystical, religious or didactic literature. In this paper, library research has been used to identify what ritual poetry is and present a more comprehensive definition of ritual literature. In what follows, the most common types of ritual literature are listed. The structure and content of ritual literature are briefly examined.

Keywords: Literature, Ritual, Ritual Literature, Islamic Rituals, Iranian Rituals Literature



*Professor of Persian Language and Literature, Bahonar University, Kerman, Iran. amiri@uk.ac.ir

**Ph.D in Persian Language and Literature, Farhangian University, Kerman, Iran. (Corresponding Author) sahabi12@chmail.ir

How to cite article:

Amiri khorasani, A., & Anjomshoae, Z. (2023). A Reflection on the Nature of Ritual Literature. *Journal of Ritual Culture and Literature*, 2(1), 231-246. doi: 10.22077/jrcl.2023.5178.1033



Copyright: © 2022 by the authors. *Journal of Ritual Culture and Literature*. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



تأملی در چیستی ادبیات آیینی

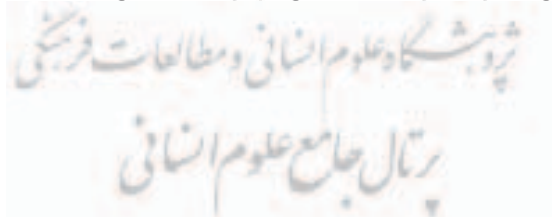
احمد امیری خراسانی*

زهرا انجم شعاع**

چکیده

ادبیات آیینی سابقه دیرینی در تاریخ ادبیات فارسی دارد که نشان‌دهنده اهمیت موضوعات و مفاهیم آیینی نزد شاعران و سخن‌پردازان فارسی‌زبان است. در گذشته درون‌مایه ادبیات آیینی کهن بیشتر بر اسطوره‌ها، سنت‌ها و آداب و رسوم فرهنگی تأکید می‌کرد، اما از دوره اسلامی و به‌ویژه با روی کار آمدن حکومت‌های شیعی، رنگ و بوی مذهبی گرفت. در دوره معاصر درباره چیستی و ماهیت شعر آیینی تحقیقاتی انجام شده است که معمولاً جامعیت و مانعیت تعریف در آن لحاظ نشده است و گاهی در تعاریف ارائه‌شده، ادبیات آیینی با ادبیات عرفانی، مذهبی یا تعلیمی خلط شده است. این پژوهش تلاش می‌کند تا با شیوه کتابخانه‌ای و سند کاوی به بررسی چیستی ادبیات آیینی بپردازد و در حد توان، تعریفی جامع از ادبیات آیینی ارائه دهد. در ادامه، بعضی از گونه‌های ادبیات آیینی بررسی و به‌طور اجمالی به ساختار و محتوای آن اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها: ادبیات فارسی، آیین، آیین‌های اسلامی، آیین‌های ایرانی، ادبیات آیینی.



۱. مقدمه

ادبیات آیینی ایران قدمتی به درازای تاریخ، تمدن و فرهنگ ایران دارد و می‌توان گفت یکی از انواع ادبی است که ارزش‌ها، آرمان‌های اجتماعی و فرهنگی، اعتقادات و باورهای مردم ایران در آن متبلور شده است. ادبیات آیینی ایران به‌طور کلی به دو بخش مکتوب و شفاهی تقسیم می‌شود و موضوعات متنوعی از آیین‌ها و سنت‌های ایرانی و اسلامی در قالب‌های نظم و نثر بیان شده است؛ با وجود این گستردگی موضوع و شمول معنایی از آغاز ادبیات ایران تا امروز، هنوز تعریف درستی از ادبیات آیینی، دسته‌بندی و مضمون‌پردازی در آن، ارائه نشده است.

تعبیر «آیین» در طول تاریخ به‌ویژه در دوره معاصر، مفهومی ابهامی و ابهامی پیدا کرده که گاهی مجموعه خرد فرهنگ‌ها و سنت‌های ملی را در برمی‌گرفته و زمانی در مناسک و مراسم دینی و مذهبی محدود شده است. به‌تبع این تعریف از «آیین»، ادبیات تحت تأثیر و متشکل از آن هم در فرایند دوره‌های تاریخی، تغییر بسیاری کرده است. ادبیات آیینی ایران در واقع برآیند فرهنگ، اعتقادات و باورهای ملی و مذهبی مردم ایران در اشکال نظم، نثر و شفاهی است. این نوع ادبی در ایران تا دوره روی کار آمدن حکومت‌های شیعی در دل انواع دیگر ادبی نهفته بود، ولی با تشکیل این حکومت‌ها در ایران، بخش مذهبی آن پررنگ‌تر شد و با پیروزی انقلاب اسلامی و در دوران دفاع مقدس، محتوا و مفاهیم ادبیات آیینی برحسب اعتقادات و باورهای انقلاب و معارف اسلامی شکلی دیگر یافت و به مدایح، مرثی، مناسبت‌ها، مناسک دینی و مذهبی توجه بیشتری شد و این ادبیات به بستری برای انتقال مفاهیم و ارزش‌های انقلاب اسلامی، دفاع مقدس و مناسبت‌های مذهبی شیعه مبدل شد. در این پژوهش سعی شده است تا با توجه به حوزه گسترده آیین و تبلور آن در ادبیات، به بررسی و شناخت چیستی ادبیات آیینی پردازد و قلمرو و محدوده این نوع ادبی را مشخص کند. روش پژوهش در این مقاله، کتابخانه‌ای است و داده‌ها به شکل توصیفی-تحلیلی پردازش شده‌اند.

۱-۱. پیشینه پژوهش

تاکنون کتاب‌های زیادی با موضوع ادبیات آیینی به معنای ادبیات دینی و مذهبی که عمدتاً درباره شعر عاشورایی، مهدوی، علوی، فاطمی و رضوی است، تألیف شده است که از آن جمله می‌توان به **شکوه عشق** نوشته امیراسماعیل آذر و **منظومه ظهر** نوشته غلامرضا کافی اشاره کرد.

درباره تعریف ادبیات آیینی و چیستی آن تا به حال کتاب یا مقاله مستقلی نوشته نشده است؛ اما به‌صورت گذرا در برخی کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقالات به این مهم پرداخته شده است. البته تعریفی که این آثار ارائه داده‌اند با اما و اگرهایی همراه است و جامع‌و مانع نیست؛ به‌علاوه مهم‌ترین مرجع این پژوهش‌ها درباره تعریف ادبیات آیینی دو کتاب

سیمای مهدی موعود در آیینۀ شعر فارسی از محمدعلی مجاهدی و ادبیات آیینی و تأثیر انقلاب اسلامی بر آن نوشته زهرا محدثی خراسانی است. این پژوهش‌ها فقط تعاریف ارائه شده در این دو کتاب را تکرار کرده و چیزی به آن اضافه نکرده است.

مقاله «نگاهی به ادبیات آیینی شعر عاشورایی از دیدگاه شاعران معاصر» نگاشته محمدرضا بختیاری حاکی از آن است که باورهای دینی از همان لحظه خلقت در اعماق زندگی انسان‌ها پدیدار بود و مثل فرایندی ارزشمند در پدیدارشناسی معرفت به حق و بنده تجلی داشت. این پایان‌نامه چنان‌که از نامش پیداست بر شعر عاشورایی متمرکز شده است. مسعود خردمندپور و مهدی نوریان در مقاله «مضامین تعلیمی در شعر آیینی» به بررسی مضامین تعلیمی در شعر آیینی پرداخته‌اند. همان‌طور که مشاهده می‌شود تمامی این منابع فقط به جنبه دینی و مذهبی ادبیات آیینی اشاره کرده‌اند و از جنبه‌های دیگر این ادبیات غفلت شده است؛ بنابراین تعریف درست و کاملی از ادبیات آیینی ارائه نشده است.

۲. بحث و بررسی

۲-۱. تعریف ادبیات

ادبیات عبارت است از تمام ذخایر و موارث ذوقی و فکری اقوام و ملل عالم که مردم در ضبط و نقل و نشر آن‌ها اهتمام کرده‌اند. این میراث ذوقی و فکری از رفتگان بازمانده است و آیندگان نیز همواره بر آن چیزی خواهند افزود و همواره موجب استفاده و التذاذ اقوام و افراد جهان خواهد بود (زرین‌کوب، ۱۳۵۴: ۸).

امروزه به سبب ترقی و تنوعی که در فنون نظم و نثر به وجود آمده، ادب و ادبیات مفهوم وسیع‌تر و جامع‌تری یافته است و به همین سبب حد و تعریف درست و دقیق آن نیز دشوارتر شده است. با توجه به نظرهای گوناگون درباره حقیقت و ماهیت مفهوم ادبیات در بین اهل نظر، تعریف کاملی ارائه نشده است که همه نیازهای ساختاری و مفهومی دیروز و امروز را بیان کند. هر تعریفی حقیقت و جوهری واقعی از ادب و ادبیات را برای کسانی که با آثار ادبی شاعران و نویسندگان زبان خویش یا زبان‌های دیگر آشنایی دارند، آشکار می‌کند.

تفاوت فکر و زبان و اختلاف زمان و مکان نتوانسته است مفهوم ادبیات را از بین ببرد. این همان حقیقت و جوهری است که از آن به ادب و ادبیات تعبیر می‌کنند و از اوصاف عمده آن، این است که بر عاطفه و خیال و معنی و اسلوب مبتنی است؛ از این‌رو برخی بر اساس همین استدلال معتقدند ادبیات سخنانی است که از حد سخنان عادی برتر و والاتر بوده است و مردم آن سخنان را در خود ضبط و نقل کرده و از خواندن و شنیدن آن‌ها منقلب گشته و احساس غم و شادی و لذت کرده‌اند. زرین‌کوب در کتاب نقد ادبی بیان می‌کند: «آن مفهوم و معنایی که به سبب نبودن لفظ مناسب دیگر، از آن به لفظ ادب تعبیر

در این بیت سعدی نیز آیین به معنای آذین و زیور آمده است:

خزاین پر از بهر لشکر بود نه از بهر آیین و زیور بود
(سعدی، ۱۳۹۴: ۲۱۱)

رابطه ذهنی و عینی «آیین» به زبان فارسی محدود نیست و در چند زبان هندواروپایی دیگر نیز آمده است. در فرهنگ ولف ذیل آیین چنین آمده است:

آیین: ترتیب، طرز، شیوه، رسم، عادت، قانون در زبان انگلیسی آیین برابر Custom است که در اصل از واژه فرانسوی Costume برگرفته شده و به معنای عادت و رسوم مطابق با زمان و مکان و مجموعه کاملی از پوشاک و پوشش شخصی است. در زبان آلمانی امروز نیز واژه Kostum یعنی پوشاک یا پوشاکی که برای موقعیت یا مردمانی خاص است. آیین در انگلیسی امروز معانی دیگری هم پیدا کرده و به معنای باور و اعتقاد Belive و مذهب و دین و رسوم دینی Ritual نیز آمده است (مشیری، ۱۳۷۸: ذیل واژه).

در زبان عربی «آیین» معادل «منهج»، «احکام»، «اجرائیات»، «لایحه» و «مدونه» آمده است که تقریباً با همان معانی که در لغت‌نامه دهخدا و فرهنگ فارسی معین آمده، معادل است. شاید بتوان گفت به دلیل قرابت زبان فارسی و عربی این اختلاط معانی امری طبیعی باشد. نکته جالب این است که «آیین» به معنی «شریعت» نیز دیده می‌شود که همان دین است. در «الشریعت الموسویه» آیین یهود، آیین به معنی «قانون» و «نظام» هم در عربی امروزی وجود دارد (آذرنوش، ۱۳۷۹: ذیل واژه).

آیین در زبان فارسی در هر مفهوم و برابرنهادی که از زبان‌های عربی یا انگلیسی و هر زبان دیگری اخذ یا کمک معنایی گرفته باشد؛ اصالتی فرهنگی و اجتماعی یافته است. «آیین» کنشی معنادار در جهان بیرون است و زمانی ظهور می‌یابد که پای معنا و ارزشی در میان باشد. یکی از ابزارهای شناخت آیین در هر قومی، مطالعه تاریخ و اساطیر آن قوم و ملت است و انسان معاصر هم بی‌نیاز از این شناخت نیست (فکوهی، ۱۳۸۹: ۳۵)

تعبیر «آیین» در طول تاریخ به‌ویژه در دوره معاصر، مفهومی ابهامی و ایهامی پیدا کرده که گاهی مجموعه خرد فرهنگ‌ها و سنت‌های ملی را در برمی‌گرفته و زمانی در مناسک و مراسم دینی و مذهبی محدود شده است. به تبع این تعریف از «آیین»، ادبیات تأثیرگرفته و متشکل از آن هم در فرایند دوره‌های تاریخی، تغییرات فراوانی کرده است (حبیبی و حسن‌زاده، ۱۴۰۰: ۶۸).

۲-۳. تعریف ادبیات آیینی

درباره تعریف ادبیات آیینی تاکنون تعریفی جامع‌ومانع ارائه نشده است؛ اما اطلاق ادبیات آیینی به ادبیات متعهدی که رنگ دینی، الهی و مذهبی دارد، ابتکار محمدعلی مجاهدی

(پروانه) است. وی که خود از شاعران آیینی است این اصطلاح را در دو کتاب خود، *موعود در شعر فارسی* و *شکوه شعر عاشورایی* استفاده کرد و توضیحاتی هم درباره آن ارائه داد که پس از آن، این اصطلاح مورد قبول عام قرار گرفت و رایج شد. وی در این باره می‌نویسد:

شعر دینی و ادبیات آیینی، از اعتقادات و باورهای دینی و آرمان‌های مذهبی مردم است که از بطن قرآن سرچشمه گرفته و با آمیختگی به احساسات، عواطف، زبان و فرم خاصی از باورهای دینی شکل می‌گیرد. هر مقوله شعری که صبغه دینی داشته باشد و متأثر از آموزه‌های اسلام باشد، در قلمرو شعر آیینی قرار می‌گیرد. ادبیات آیینی، حماسه‌های بزرگی از ولایت و امامت و نهضت را در خود جای داده است. گاهی پرچم سرخ نهضت بزرگی چون عاشورا را به اهتزاز در آورده است. بن‌مایه‌ها و آموزه‌های ادبیات دینی از الهامات فرا بشری، الهی و غیبی سرچشمه می‌گیرد و به صورت واژه‌ها و عبارات هنری و آهنگین تجلی می‌نماید (مجاهدی، ۱۳۹۰: ۸۹).

درباره این تعریف هم اما و اگرهایی وجود دارد؛ مثل اینکه برخی شاعران آیینی سرا معتقد بودند که اطلاق شعر آیینی به اشعار عاشورایی، علوی، رضوی، مهدوی و... درست نیست و برای این اشعار باید از اصطلاح شعر مذهبی استفاده کرد؛ زیرا شعر آیینی دامنه گسترده‌تری دارد و شامل اشعار وطن‌پرستانه و ملی‌گرایانه و اشعاری که بیان‌کننده آداب و رسوم هستند نیز می‌شود. با این حال نظر مجاهدی در میان مردم و اهل ادب مقبولیت پیدا کرد و بیشتر تعاریفی که پس از وی ارائه شد، تحت تأثیر تعریف او از ادبیات آیینی بود. برای نمونه، زهرا محدثی خراسانی در تعریف شعر آیینی می‌نویسد:

شعر آیینی کلامی است «معنوی»، «مخیل» و غالباً «آهنگین» که دارای قلمرو موضوعی بسیار گسترده است. هر مقوله شعری که صبغه دینی داشته باشد و متأثر از آموزه‌های اسلامی باشد در قلمرو شعر آیینی قرار می‌گیرد. ستودن و توصیف زیبایی و عظمت‌ها در فطرت زلال انسانی ریشه دارد. هیچ‌کس نیست که در مواجهه با زیبایی - زیبایی‌های طبیعی و انسانی - هر جا و هرگونه که باشد، در درون یا در بیرون، تمجید و تکریم و ستایش آغاز نکند. ادبیات آیینی، تجلی همین فطرت و فریاد سرشتین است؛ ستایش گل‌هایی که در باغ جهان شکفته‌اند رؤیت بیکرانه دریایی که تا ابدیت دامن گسترده و قله‌های شگفت و راز آمیزی که در چشم گردانی انسان هیچ‌گاه نمی‌توان ساده و آسان از آن‌ها گذشت و یا به‌رغم عقیده برخی آن‌ها را محدود و مقطعی دانست. شعر آیینی غالباً شعری است که به‌نوعی موضوع مذهبی دارد و این موضوع می‌تواند ستایش یکی از بزرگان دین، فرایض و مناسک دینی و یا شرح و تبیین معارف دین باشد (محدثی خراسانی، ۱۳۸۸: ۲۵).

بختیاری و محمدپور نیز پیرو همین تعریف هستند و آن را در آثار پژوهشی خود لحاظ کرده‌اند:

به هر شعری که صبغه دینی و مذهبی داشته و متأثر از منابع و آموزه‌های اسلامی اعم از اصول و فروع دین مربوط به پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت علیه السلام باشد، شعر آیینی می‌گویند. می‌توان با کمی تسامح، شعر آیینی را شعر عقیده، مکتبی، ارزشی و ایدئولوژیک دانست که برخاسته از اندیشه‌های مذهبی و عقاید شاعر مسلمان است. بعضی در تعریف از شعر آیینی، آن را شعر مسلمان... و شعر عقیده‌مند به آیین مسلمانی می‌دانند (محمدپور، ۱۳۸۷: ۴۲).

برخی مانند رمضانخانی همین تعریف را با همه‌جانبه‌نگری بیشتری ارائه کرده‌اند:

ادبیات آیینی و یا در معنای عام آن ادبیات، از همان بدو خلقت در نهاد انسان قرار داده شده و با آدم ابوالبشر آغاز گردیده است. این درون‌مایه‌ها عبارت‌اند از: مناجات با معبود، منقبت و مدح بزرگان دینی و علمی و...، سوگواری‌های بزرگان، آیین‌های محلی، دینی و مذهبی، طلب باران، اخلاق و تربیت، انتظار فرج و گشایش در امور دینی و دنیایی. ادبیاتی که درون‌مایه‌اش مشحون از آیات قرآنی، موضوعات مکتبی، تعالیم دینی و آموزه‌های الهی است (رمضانخانی، ۱۳۹۴: ۲۸)

گروهی دیگر ادبیات آیینی را با ادبیات تعلیمی خلط کرده‌اند؛ برای نمونه خردمندپور و نوریان می‌نویسند:

در سروده‌های آیینی شاعران، مفاهیم والای اخلاقی همواره مورد توجه بوده است؛ مواردی چون آزادمنشی، ارزش دادن به علم، خداپرستی، پرهیز از دنیاطلبی، تأثیر محبت پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) در زندگی، محافظت از زبان، علم‌آموزی، صبر و شکیبایی، قناعت و... که به کار بستن آن‌ها در زندگی می‌تواند مایه سعادت و خوشبختی آدمی را فراهم سازد. حضور این معانی و مفاهیم نه تنها به سروده‌های آیینی جلوه‌ای خاص بخشیده؛ بلکه این سروده‌ها را به صورت پشتوانه‌ای ارزشی برای شعر تعلیمی درآورده است... با نظری گذرا به درون‌مایه شعر آیینی مشخص می‌شود که در این قلمرو وسیع ذوق و اندیشه از هرچه مقدس و محترم و والا و زیباست، ستایش شده و از تمامی ناشایست‌ها و رذائل و آنچه موجب سقوط اخلاقی انسان می‌شود، نکوهش و تقبیح به عمل آمده است. شعر آیینی در شاخه‌های تحمیدیه، شعر نبوی، شعر علوی، شعر فاطمی، شعر عاشورایی، شعر رضوی، شعر مهدوی و شعر دیگر ائمه دین تعین پیدا می‌کند (خردمندپور و نوریان، ۱۳۹۳: ۳۵-۳۸).

نویسندگان یادشده درجایی دیگر می‌نویسند: ادبیات آیینی در همه میراث ادبی جهان، به‌نوعی با محتوا و گزاره‌های دینی و باورهای مذهبی گره‌خورده است و به همین سبب برای ورود به ارزش‌های تعلیمی در شعر آیینی پرداختن به بن‌مایه‌های مذهبی و نهایتاً شعر تعلیمی، اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. دامنه باورهای مذهبی بسیار گسترده است و اگر از منظر ادبیات به آن بنگریم، بیش از همه، یک موضوع عام از جایگاه ویژه‌ای بهره‌مند است و آن، شعر آیینی است (همان: ۴۲).

از این تعریف چنین برداشت می‌شود که نویسنده، مضامین شعر آیینی را همان مضامین شعر تعلیمی می‌داند. البته باید توجه داشت که هدف شعر آیینی و تعلیمی با هم متفاوت است. شعر آیینی، هدفش تعلیم و آموزش نیست، بلکه رساندن مخاطب به درکی زیبا و عمیق از مسائل آیینی، اعم از آیین‌های دینی - مذهبی و آیین‌های ایرانی - باستانی است. از نظر منطقی رابطه ادبیات آیینی و ادبیات تعلیمی عموم و خصوص من وجه است.

برخی معتقدند که می‌توان هر اثر ادبی را که به کمال معنوی مخاطب کمک می‌کند، زیرمجموعه ادبیات آیینی دانست؛ اما به‌طور خاص، می‌توان گفت که ادبیات آیینی، شامل هر اثر ادبی می‌شود که در ارتباط با اصول و فروع دین خلق شده باشد. مثلاً اگر یک اثر درباره خدا (توحید)، ظلم‌ستیزی (عدالت)، مدح پیامبران و امامان معصوم (ع) (نبوت و امامت) و یا معاد باشد، ادبیات آیینی محسوب می‌شود. هم‌چنین است اثری که به فروع دین مثل نماز، روزه، حج و... پردازد (حیدری، ۱۳۹۵: ۷).

از نظر نگارندگان بهترین تعریفی که می‌توان ارائه داد چنین است: ادبیات آیینی به‌گونه‌ای از ادبیات گفته می‌شود که گستره وسیعی دارد و از جهت معنایی و محتوایی می‌تواند جنبه دینی و معنوی داشته باشد و از آموزه‌های و حیانی، فرهنگ و عترت و ولایت و تاریخ اسلام سرچشمه بگیرد و یا جنبه ملی‌گرایانه داشته باشد و از سنت‌ها و آیین‌های ملی، قومی و محلی سرچشمه بگیرد و هم‌چنین می‌تواند جنبه اجتماعی، سیاسی، مسلکی و اسطوره‌ای داشته باشد و آیین‌های ازدواج، آیین‌های درباری یا آیین‌های مربوط به فرق و مسلک‌های مختلف مثل آیین‌های صوفیه و... را در برگیرد. مناسبت‌ها و ستایش چهره‌های دینی و ملی، توجه به مقوله‌های قدسی و ملکوتی و تزکیه و تهذیب‌نفس انسانی و توجه به آداب و رسوم در هسته مرکزی این نوع ادبی قرار دارد.

۲-۴. مروری بر مهم‌ترین انواع ادبیات آیینی

۲-۴-۱. ادبیات آیینی مذهبی

مقوله‌های شعر آیینی مذهبی را می‌توان این‌گونه خلاصه کرد:

۱. شعر توحیدی یا کبرتایی که مقوله‌های پرستش، نیایش و ستایش ربوبی را در برمی‌گیرد.

۲. شعر ماورایی که به تبیین مقوله‌هایی از قبیل معرفت، بصیرت، عدالت، مروت و عرفان می‌پردازد.

۳. شعر خودپیرایی که مقوله‌های پندی و اندرزی و اخلاقی در این نوع شعر بروز پیدا می‌کند.

۴. شعر رهایی که از موضوعاتی سخن به میان می‌آورد که از یکسو در بُعد شخصی، موجب رهایی انسان از شر نفس حیوانی و وسوسه‌های شیطانی می‌گردد و از سوی

دیگر، با عمل کردن با آموزه‌های دفاع، اعتراض، بیداری، مقاومت، جهاد و شهادت، موجبات رهایی جامعه از دام حکومت‌های استعمارگر و از زیر یوغ قدرت‌های خودکامه جهانی را فراهم می‌کند.

۵. شعر ولایی که به ذوات مقدس حضرات معصومین (ع) و پیامبران و اولیای الهی و خاندان عترت اختصاص دارد و مهم‌ترین زیرمجموعه‌های آن، عبارت‌اند از: شعر نبوی، علوی، فاطمی، بقیع، عاشورایی، رضوی و مهدوی (مجاهدی، ۱۳۹۰: ۵۵-۵۶).

۲-۴-۲. ادبیات آیینی ملی و قومی

ایرانیان از دیرباز تاکنون، آیین‌های ملی و قومی بسیاری چون جشن‌های بهمنجه، سده، نوروز، مهرگان، یلدا، چهارشنبه‌سوری، آیین‌های مربوط به تحویل سال، سفره هفت‌سین و رسم خانه‌تکانی و... داشته‌اند؛ علاوه بر این در مراسم خاک‌سپاری هم آداب و رسوم ماندگار بر سر و روی زدن، بریدن مو و گیسو، پوشیدن جامه نیلی و سیاه، جامه قبا کردن و گریبان دریدن هم وجود داشته که برخی آیین‌ها تا به امروز باقی مانده است. هریک از اقوام ایرانی هم چه در گذشته و امروز، آیین‌های خاص و ویژه‌ای دارند که یادکرد آن‌ها در این مقال نمی‌گنجد.

۲-۴-۳. ادبیات آیینی اجتماعی و سیاسی

۲-۴-۳-۱- آیین‌های ازدواج

ازدواج، پدیده‌ای اجتماعی است و الگوهای متفاوت آن در جوامع گوناگون، نشان‌دهنده تأثیر ساختارهای جامعه بر این پدیده جهانی است. آیین زناشویی با آیین‌های مذهبی ارتباط نزدیکی دارد و به نوعی موجب رستگاری است. از آداب و آیین‌های ازدواج در طول زمان که برخی هنوز هم پابرجاست، می‌توان به خواستگاری، آزمون (آزمودن خواستگار)، انتخاب ساعت و روز خوش‌یمن، پیشکش آوردن، مهریه، جهیزیه، مراسم خنابندان، ردوبدل کردن نشانه عهد و پیمان، قربانی کردن، شستن پای عروس و داماد و برگزاری جشن و پایکوبی اشاره کرد (حسینی، ۱۳۹۳: ۱۰).

۲-۴-۳-۲. آیین‌های درباری و حکمرانی

اداره هر جامعه‌ای، چه در داخل آن جامعه و چه در ارتباط با جوامع دیگر، نیازمند تدابیر ویژه و نظم است. بدیهی است هرچه جامعه گسترده‌تر باشد، اداره آن نیز سخت‌تر بوده، به هم‌فکری و دقت بیشتری نیاز دارد. هر جامعه با توجه به فرهنگ و مقتضیات زمانه خود، برخی آیین‌ها را برای حکمرانی برمی‌گزیند که یادکرد این آیین‌ها به ادبیات هر دوره هم راه می‌یابد. در گذشته، هر دربار آداب و رسوم خاص خود را داشته است: آداب

مربوط به جنگ و صلح، آداب کشورداری، آداب پادشاهان و آداب درباریان (شاهزادگان، وزیران و دبیران و...)؛ برای نمونه در ایران باستان، نوشتن نامه با مواد خوشبو بر حریر صورت می‌گرفت. چنان‌که فردوسی در توصیف نامه سیاوش به کاووس شاه می‌سراید:

| | |
|-----------------------------|----------------------------|
| سیاوش در بلخ شد با سپاه | یکی نامه فرمود نزدیک شاه |
| نوشتن به مُشک و گلاب و عیبر | چنانچون سزاوار بُد بر حریر |
| نخست آفرین کرد بر کردگار | کزو گشت پیروز و به روزگار |

(فردوسی، ۱۳۹۴، ج ۱: ۱۲۸)

۲-۴-۴. آیین‌های اساطیری

اساطیر با آیین‌ها رابطه‌ای بسیار نزدیک دارند. «اسطوره‌های هر قوم، دربارهٔ خلق هستی، خدایان، انسان و سرانجام هستی سخن می‌گویند و توجیه‌کنندهٔ ساختارهای اجتماعی، آیین‌ها و الگوهای اخلاقی و رفتاری هر جامعهٔ ابتدایی است» (بهار، ۱۳۷۶: ۷۵-۷۶). اسطوره در حکم وثیقه و ضامن باستانی بودن و واقعیت داشتن قدمت آیین است. آیین‌های بسیاری در پیوند با اساطیر شکل گرفته‌اند که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: آیین‌های نیایشی مانند تکریم و بزرگداشت مهر و ایزد میترا و الههٔ آناهیتا در ایران باستان یا تقدیس آتش.

۲-۴-۵. آیین‌های عهد و پیمان

به‌عنوان نمونه در آیین‌های عهد و پیمان و سوگند خوردن، در ایران و هند باید در برابر آب مقدس سوگند بخورند یا در هنگام سوگند، باید آب در دست داشته باشند. شکل دیگر مراسم سوگند (وَر) در داستان سیاوش، که فردوسی از آن یاد کرده است، پوشیدن لباسی پاکیزه و عبور از آتش برای اثبات بی‌گناهی است.

۲-۵-۵. ویژگی‌های شعر آیینی

۲-۵-۱. ساختار شعر آیینی

شکل و ساختار موضوعات آیینی در سروده‌های کهن، اغلب در چارچوب مثنوی، قطعه، ترکیب‌بند و ترجیع‌بند و کمتر سروده‌ای در قالب غزل است. این در حالی است که در شعر معاصر، علاوه بر بهره‌مندی شاعران از قالب‌های نو «نیمایی، سپید و...» قالب غزل نیز مفاهیم شعر آیینی فارسی را به کار گرفته است. رباعی، مثنوی و غزل- مثنوی نیز از دیگر قالب‌هایی است که شاعران معاصر در سروده‌های آیینی خود از آن استفاده می‌کنند. عمده‌ترین عامل در بهره‌مندی از قالب‌های یادشده و به‌نوعی تنوع قالب در شعر آیینی معاصر، فراهم شدن بستری درخور به منظور به‌کارگیری موضوعات و گاه مفاهیم متنوع در

گستره شعر آیینی است (امین‌پور، ۱۳۶۳: ۲۳).

مضامین و محتوای شعر آیینی نیز از آغاز تا دوره معاصر، سیر بالنده‌ای را طی کرد و این رشد در روزگار ما در حال تکوین است. با بررسی شواهد موجود در آثار آیینی فارسی، دو صورت متفاوت در فضا و نگرش شاعران نسبت به چگونگی پردازش منقبت و مرثیه ائمه اطهار (ع) شاهدیم.

۱- پرداختن به مدح و منقبت و گاه مرثیه ائمه اطهار (ع) و پیشوایان دین با نفوذ خاص دریافت‌های شخصی شاعر: در این آثار، زمانی که به منظور مدح و منقبت به سیره پیشوایان دین پرداخته می‌شود، با اندیشه‌ای نه‌چندان بارور و درخور مقام و مرتبه این بزرگان سخن به میان می‌آید، مگر در آثار تعداد محدودی از شاعران که با فرازهایی زیبا و دلپسند همراه است؛ مانند نعت پیامبر اکرم (ص) در خمسه نظامی و یا سروده‌های مولانا در مثنوی و... . آنگاه که شاعر با نگاه مرثیه و سوگ به شهادت و رحلت ائمه اطهار (ع) پرداخته است، می‌بینیم که تنها سوگ و حزن و اندوه است که سیری یکنواخت و گاه ملال‌آور دارد و شاعر در این مراثی نتوانسته بشکوهی و ارزش‌مداری حرکت، قیام و شهادت بزرگان دین را به نمایش بگذارد. کاربرد واژگان و گاه صفاتی که در چگونگی توصیف رزم و شهادت آنان مشهود است که بیش از هرچه بیانگر مظلومیت صرف و پامال شدن حقی است که غالباً توسط حاکمان عصر اعمال می‌شده است؛ باین‌همه در این فضا و محتوا نیز آثاری چون گنجینه الاسرار عمان سامانی را نمی‌توان نادیده انگاشت. آنجا که سراسر این اثر گران‌سنگ یادکرد قیام عاشورا و پاسداشت حماسه‌آفرینان آن است؛ اما وجه غالب همانی است که اشاره شد (رمضانخانی، ۱۳۹۴: ۱۵-۱۷).

۲- شعر آیینی در دوره معاصر، علاوه بر بهره‌مندی از متعلقات گسترده و متنوعی مانند شهادت، دفاع مقدس، فرهنگ عاشورا و... در سروده‌هایی که به‌نوعی در منقبت و مرثیه ائمه اطهار (ع) و دیگر بزرگان مذهب برجای مانده است: شاعر به شکوه و حماسه‌آفرینی آنان و هدفمند بودن شهادت‌طلبی و آرمان‌های آنان اشارات خاصی داشته و بیش‌تر به این ابعاد پرداخته است تا سوگ صرف و مرثیه‌ای اندوه‌بار؛ در واقع تمرکز شاعر و نویسنده بیشتر بر اندیشه و محتوای قیام‌هایی مثل قیام حسینی است تا پرداختن به مصائب آن حضرت (کاظمی، ۱۳۸۹: ۴۳).

۲-۵-۲. ویژگی‌های فکری شعر آیینی

کمتر کسی نقش آگاهی از تحولات تاریخی و رسیدن به دانش و بینش دینی را در ارزشمندی و ماندگاری یک اثر نادیده می‌گیرد. اگر در گذشته، شعر مذهبی درباره چند موضوع با ابهام فلسفی مضامین موجود در آن می‌چرخید، اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شاعرانی چون علی معلم، سلمان هراتی، سیدحسن حسینی، قیصر امین‌پور و... به فلسفه و نگرشی صحیح در مضامین دینی دست یافتند. مطالعات دقیق و عمیق آنان در قلمرو مفاهیم دینی

به آنان کمک بسیاری کرد (لنگرودی، ۱۳۸۹: ۲۵).

حضور شخصیت‌های مطرح انقلابی چون شهید مرتضی مطهری، علی شریعتی و... که با سخنرانی‌ها و کتاب‌های ارزنده در ارائه دانش و بینش مذهبی به جامعه، در پیرایش تاریخی مسائل دینی قدم‌های ارزنده‌ای برداشتند و توانستند تا حدودی بدعت‌ها و ناروایی‌هایی را که بر تاریخ اسلام گذشته بود، بزدایند، عامل مؤثری در ایجاد فضای مناسب برای ظهور و پیدایش ادبیات انقلابی و مذهبی به شمار می‌آیند. «در هیچ دورانی از هزار سال شعر فرهیخته و بالنده فارسی، شعر عاشورایی گسترش، ژرفا و نگاه همه‌سونگرانه‌ای چون روزگار ما به خود ندیده است. چهار بعد حادثه عظیم عاشورا: یعنی سوگ، حماسه، اندیشه و عرفان، در هیچ عصری به‌روشنی و زیبایی عصر مادر شعر حضور نیافته است» (سنگری، ۱۳۹۱: ۱۶).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی جریانی اصلاح‌گرا و سالم، در حوزه شعر آیینی شکل گرفت که از یک‌سو در احیای شخصیت‌های تحریف شده دینی تلاش کردند و از سوی دیگر در ارائه بینش صحیح به جامعه و تغییر ساختار فکری در حیطه ادبیات فارسی، گام برداشتند.

نتیجه نگرش تاریخی صحیح به واژه‌ها و همراهی با اصالت و هویت‌مندی آن‌ها، در کنار پروراندن اندیشه در پس بهره‌مندی از هر عنصر مذهبی، شعر را از حالت روایی و تک‌زمانی بودن به عرصه ادب فرازمانی سوق داد و در آثار شاعران آیینی فرازهایی ژرف و ماندگار پدید آورد. شاعر آیینی، کسی است که خالق و آفریننده شعر آیینی است. او باید به چند عنصر مسلح باشد. اول اینکه شعر را بشناسد و با همه ویژگی‌های شعری اعم از ویژگی‌های ساختار و درون‌مایه و مضمون آشنایی داشته باشد. دوم اینکه به تاریخ شعر فارسی اشراف داشته باشد و بداند که میراث‌دار کدام فرهنگ است. قطعاً شعر شاعری که گسسته و بریده از گذشته باشد، تأثیرگذار نخواهد بود؛ اما نکته سوم اینکه شاعر باید با فرهنگ و درون‌مایه دینی به‌خصوص در قلمرو شیعی آشنایی کاملی داشته باشد. اگر شاعری بخواهد درخصوص واقعه عاشورا شعر بگوید باید با تاریخ کربلا و تحریف‌هایی که در آن وارد شده، آشنا باشد. شاعر آیینی غیرت‌مندانانه و بانشاط به هر آنچه در جامعه رخ می‌دهد می‌نگرد و تلاش می‌کند زیبایی‌ها را زیباتر از آنچه هست به آرایه‌های کلام زینت بخشد و حلاوت آن‌ها را در کام خوانندگان وارد کند. بی‌تفاوتی در آیین شاعر آیینی جایی ندارد. از آنجاکه شعر آیینی در ماهیت خود دارای سرشتی روحانی و قدسی است، به دل و جان انسان می‌نشیند و روح و روان را صیقل می‌دهد.

می‌توان ادبیات آیینی را به‌عنوان یکی از عوامل مهم تربیتی و انتقال‌دهنده ارزش‌ها دانست. در این میان، شعر شیعه با الهام از روح انقلابی حضرت علی (ع) و مکتب سرخ عاشورا عزت‌نفس و بلندهمت‌می‌یابد و روح را در آسمان معرفت به پرواز درمی‌آورد. جاذبه شعر آیینی به دلیل بهره‌گیری از سرچشمه‌هایی همچون قرآن، نهج‌البلاغه، نهج‌الفصاحه و

سخنان نغز اهل بیت است (محدثی خراسانی، ۱۳۸۸: ۵۵).

۳. نتیجه گیری

بسیاری از آثار فاخر و ماندگار ادبیات فارسی، رنگ و بوی آیینی دارد و در قلمرو شعر آیینی قرار می‌گیرد. دامنه شعر آیینی بسیار وسیع است؛ زیرا مفهوم اصطلاح آیین، بسیار گسترده است و مصادیق فراوان دارد. این مصادیق را می‌توان به دو دسته کلی دینی - مذهبی و ملی - قومی تقسیم کرد. شعر آیینی که رنگ و بوی معنوی دارد، از معارف اسلامی قرآن، روایات اهل بیت (ع) و مناجات‌ها و ادعیه مأثوره سرچشمه گرفته و تأثیر قابل توجهی در ذهن جامعه گذاشته است؛ بنابراین ادبیات آیینی ما با معارف حق الهی سندیت پیدا کرده است. شعرای متعهد، از این معارف، مضامین پرمغز، عاشقانه و توحیدی را استخراج کرده و در قالب‌های ادبی گنجانده‌اند. با ظهور انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، شاعران و نویسندگان معاصر نیز با جریان اصیل انقلاب هم‌آوا شده‌اند و در این عرصه طبع‌آزمایی نموده، آثار ارزشمندی خلق کرده‌اند. در دوره معاصر، نگاه شاعران به مضامین و مؤلفه‌های آیینی با نگاه شاعران دوره‌ها و سده‌های پیشین متفاوت است.

در سال‌های آغازین تاریخ شعر فارسی، بیشتر نگاه اخلاق‌گرایانه و توحیدی در کنار توجه به سنت‌ها، آداب و رسوم ملی و کهن موجود در تاریخ ایران وجود داشت که در سده‌های بعدی با روی کار آمدن حکومت‌های شیعی جای خود را به نگاه مذهبی و مادیح و مراثی اهل بیت (ع) داد. البته قبلاً این حوزه و موضوع وجود داشت، ولی در دوره‌های بعد، به‌ویژه دوره صفویه پررنگ‌تر شد. در دوران انقلاب اسلامی و سال‌های دفاع مقدس و پس‌از آن به دلیل رخداد‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در محتوا و مضامین شعر آیینی نیز تغییر یا بازآفرینی به وجود آمد.

در پایان تعریفی که می‌توان از ادبیات آیینی ارائه داد چنین است: ادبیات آیینی به‌گونه‌ای از ادبیات گفته می‌شود که گستره وسیعی دارد و از جهت معنایی و محتوایی می‌تواند جنبه دینی و معنوی داشته باشد و از آموزه‌های وحیانی، فرهنگ و عترت، ولایت و تاریخ اسلام سرچشمه بگیرد یا جنبه ملی‌گرایانه داشته باشد و از سنت‌ها و آیین‌های ملی، قومی و محلی سرچشمه بگیرد؛ هم‌چنین می‌تواند جنبه اجتماعی، سیاسی، مسلکی و اسطوره‌ای داشته باشد و آیین‌های ازدواج، آیین‌های درباری یا آیین‌های مربوط به فرق و مسلک‌های مختلف مثل آیین‌های صوفیه و... را در برگیرد. مناسبت‌ها و ستایش چهره‌های دینی و ملی، توجه به مقوله‌های قدسی و ملکوتی و تزکیه و تهذیب نفس انسانی و توجه به آداب و رسوم در هسته مرکزی این نوع ادبی قرار دارد.

کتابنامه

- آذر، امیراسماعیل. (۱۳۸۸). شکوه عشق. دوم. تهران: سخن
- آذرنوش، آذرتاش. (۱۳۷۹). فرهنگ معاصر فارسی عربی. نشر نی.
- امین‌پور، قیصر. (۱۳۸۳). سنت و نوآوری در شعر معاصر. اول. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- بهار، مهرداد. (۱۳۷۶). جستاری چند در فرهنگ روز ایران. تهران: فکر روز.
- بختیاری، محمدرضا. (۱۳۹۵). «نگاهی به ادبیات آیینی عاشورایی از دیدگاه شاعران معاصر». کنگره بین‌المللی زبان و ادبیات.
- حبیبی، علیرضا و حسن‌زاده میرعلی، عبدالله. (۱۴۰۰). «جامعه‌شناسی شعر آیینی در ایران». سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی. ۱۴ د. ش ۶۴. صص ۲-۱۶.
- حسینی کازرونی، سید احمد. (۱۳۹۳). «نگاهی به ادبیات متعهد و تأثیر آن بر شعر مشروطیت». مطالعات ادبیات تطبیقی. ۵. ش ۱۸. صص ۱۳۵-۱۵۲.
- حیدری، زهرا. (۱۳۹۵). «بررسی صورت و معنی در شعر سید حمیدرضا برقعی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. زاهدان: دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- خردمندپور، مسعود و نوریان، سیدمهدی. (۱۳۹۳). «مضامین تعلیمی در شعر آیینی». ادبیات تعلیمی. ۶. ش ۲۳. صص ۱۷-۳۸.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. دوره ۱۶ جلدی. تهران: دانشگاه تهران.
- رمضانخانی، داوود. (۱۳۹۴). «تحلیل اشعار آیینی سید حسن حسینی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. قزوین: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).
- زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۵۴). نقد ادبی. ج ۲. تهران: امیرکبیر.
- سعدی، مصلح‌الدین. (۱۳۹۴). کلیات سعدی. تصحیح محمدعلی فروغی. تهران: امیرکبیر.
- سنگری، محمدرضا. (۱۳۹۱). پرسه در سایه خورشید. اول. تهران: سایه سخن
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۹۴). شاهنامه فردوسی. تصحیح جلال خالقی مطلق. دوره ۹ جلدی. تهران: سخن.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۹). انسان و فرهنگ. تهران: جاوید.
- کاظمی، محمدکاظم. (۱۳۸۹). ده شاعر انقلاب. دوم. تهران: سوره مهر.
- کافی، محمدرضا. (۱۳۸۸). شرح منظومه ظهر. دوم. تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.
- لنگرودی، شمس. (۱۳۸۹). تاریخ تحلیلی شعر نو. ششم. تهران: مرکز.

- مجاهدی، محمدعلی. (۱۳۹۲). سیمای مهدی موعود در آیینه شعر فارسی. دوم. قم: جمکران.
- مجاهدی، محمدعلی. (۱۳۹۰). شکوه شعر عاشورا در زبان فارسی. قم: زمزم هدایت.
- محدثی خراسانی، زهرا. (۱۳۸۸) شعر آیینی و تأثیر انقلاب اسلامی بر آن. تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.

